

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

بازتاب تفکرات دفاعی و هجومی ایران و امریکا در سرودهای ملی

(علمی - پژوهشی)

علی حیدری^۱، نوذر نیازی^۲

چکیده

سرودهای ملی کشورهای مختلف جهان، نشأت گرفته از باورها و اعتقادات و پیشینه تاریخی و اساطیری آنها است؛ لذا با دقت در این سرودها و حتی موسیقی آنها می توان تا حد زیادی به روحیه، فرهنگ و تمدن آن ملل پی برد. در این مقاله، سرود جمهوری اسلامی ایران با سرود ملی ایالات متحده امریکا از سه جهت: ۱- قالب شعری (وزن و قافیه) سرودها ۲- موسیقی سرودها ۳- محتوا و مفهوم سرودها، با هم مقایسه شده است. در این مقایسه فقط به مواردی از افتراقات دو سرود اشاره شده است و آگاهانه به اشتراکات آنها پرداخته نشده است. به طور خلاصه در این مقایسه، سرود امریکا از نظر قالب (وزن و قافیه) از سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، ادبی تر و قوی تر است. از نظر موسیقی سرود ملی جمهوری اسلامی ایران ملایم تر از سرود ملی امریکا است و از نظر مفهوم و محتوا سرود ملی ایران بیان کننده صلح و دوستی و در نهایت، دفاع مقدس و مشروع است؛ در حالی که سرود امریکا بیان کننده روحیه جنگ طلبانه آنان است.

واژگان کلیدی

ایران، امریکا، دفاع، هجوم، سرود ملی.

^۱ . دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) aheidary1348@yahoo.com

^۲ . استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه لرستان.

۱- مقدمه

درست است که سرود ملی هر کشوری در برهه‌ای خاص از زمان و معمولاً به وسیله یک نفر یا عده‌ای محدود خلق می‌شود؛ اما می‌توان گفت که آرزو و خواسته‌های ناخودآگاه یک ملت است که در قالب یک سرود متبلور شده‌است. محتوا و پیام اصلی این سرودها، بر خودآگاه و ناخودآگاه مستمعان تأثیر فراوانی می‌گذارد. این پیام تقریباً ملکه ذهن افراد یک ملت خواهد شد و به عنوان یک عامل اساسی در بین اقوام مختلف یک ملت، ایجاد همبستگی می‌کند... فخرالدینی رهبر، مدیر ارکستر ملی ایران در مورد سرود «ای ایران ای مرز پر گهر» می‌گوید: «وقتی مردم در کنار هم این قطعه را می‌خوانند با هم صمیمی‌تر می‌شوند و همدیگر را بیش‌تر دوست دارند. در حقیقت این قطعه، حسی از وحدت و یکپارچگی به مردم می‌دهد.» (گروه ادب، ۱۳۸۷: ۵۷) رمز ماندگاری آنها نیز در گرو این همگانی بودن آنهاست: «رمز ماندگاری بعضی از سرودهای ملی را در بیان احساس و آمال مردمی و یا اهداف مقدس آنان می‌دانند.» (آزاده، ۱۳۸۴: ۵۲۰)

بیشتر این سرودها ریشه در روایات جمعی و اساطیر یک ملت دارند. شاید بیراه نباشد اگر این سرودها را با اسطوره‌های ملی کشورها در پیوند بدانیم؛ زیرا «اسطوره روایی همگانی است، روایی است پایدار که تبارها و تیره‌ها در درازنای زندگی خویش دیده‌اند.» (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۲۳) کزازی از «ناخودآگاه تباری» نام می‌برد و می‌گوید:

«هر تباری نیز می‌تواند ناخودآگاهی ویژه خویش داشته باشد که در سنجش با تباری دیگر جدایی‌ها و تفاوت‌های آن آشکار خواهد شد. ناخودآگاه تباری که شالوده‌های استوار و دیرینه پیوندها و همبستگی‌های تباری و قومی را می‌سازد و منش ملی و روانشناسی مردمی را پدید می‌آورد، نمادهای ویژه خود را می‌آفریند این نمادها را می‌توان نمادهای تباری نامید.» (همان: ۱۲۸)

سنت‌ها... و هر آنچه هنجارها و ارزش‌های ملی را پدید می‌آورد، ریشه در ناخودآگاهی

تباری گسترانیده‌است. (همان: ۱۲۸)

۱-۱- بیان مسئله

سرودهای ملی هر کشوری، متناسب با روحیات و فرهنگ آن کشور، آگاهانه یا ناآگاهانه خلق شده و معمولاً تا با باورها و اعتقادات جمعی در پیوند نباشند، مقبولیت عام نخواهند یافت. سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این مقاله سعی شده است این دو سرود از لحاظ مختلف با هم مقایسه شوند تا از لابه لای این سرودها، روحیات و فرهنگ واقعی و غیر تصنعی دو کشور نمایان شود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

به جز کتاب «سرودهای ملی کشورهای جهان» از پویان آزاده (آزاده، ۱۳۸۳) که تمام سرودهای ملی جهان را بدون تجزیه و تحلیل به چاپ رسانیده، تا به حال مقاله یا کتابی که سرود جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا را با هم مقایسه کرده باشد، به چاپ نرسیده است؛ اما در مقالاتی به سرودهای ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است؛ از جمله خانم میترا دهموبد در مقاله‌ای با عنوان «روزی که «ای ایران» میهنی ترین سرود ملی جهان شد»، درباره سرود شاهنشاهی در مجله تعلیم و تربیت مطالبی بیان کرده‌اند. (دهموبد، ۱۳۱۳، ۴۸۷-۴۷۷). حسن علی ملاح نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «سرود ملی ایران و چگونگی ابداع آن» توضیحاتی ارائه کرده‌اند. (ملاح، ۱۳۵۳: ۸۸-۹۰) در مجله گروه ادب و هنر مطلبی درباره سرود «ای ایران ای مرز پر گهر»، تحت عنوان «روح الله خالقی، خالق سرود ای ایران»، آمده است. (گروه ادب و هنر، ۱۳۸۷: ۵۷)

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

تأثیر سرودها در روحیه و خلیقات ملل انکار ناشدنی است. این تأثیرات در دوران حاضر که سرودهای ملی نه فقط در دربارها و مکان‌های دینی، بلکه در مکان‌های آموزشی، ورزشی و ... در سراسر دنیا به نحو محسوس و بارزی و در هر روز بیش از صدها بار بر پهنه هر کشوری به اجرا در می‌آید، بیشتر است. به درستی می‌توان گفت که این سرودها بخش

مهمی و شاید مهم‌ترین بخش فرهنگ و باورهای عمیق یک قوم است. از رهگذر این سرودها می‌توان افکار، اهداف، آرزوها، باید و نبایدهای هر ملتی را تا حد زیادی تشخیص داد. مقایسه و تحلیل همه‌جانبه سرود ملی ایران و امریکا، دقت در الفاظ به کار رفته در این سرودها و حتی نگاه به فلسفه و تاریخ سرودن آنها، حقایق انکارناپذیری را نمایان خواهد کرد که خلاف ادعاهای رسانه‌ای است. روحیه صلح‌طلبانه و دفاعی ایران و حس برتری-جوئی و جنگ‌طلبانه امریکا که ریشه در فرهنگ هر دو کشور دارد، حداقل نتیجه‌ای است که از مقایسه این دو سرود به دست می‌آید؛ لذا برای کشف حقایق و نمایان کردن فرهنگ دو کشور، مقایسه این دو سرود کاری شایسته و بایسته خواهد بود.

۲- بحث و بررسی

سرودهای ملی را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. از جمله: «۱- سرودهای مذهبی ۲- سرودهای نظامی ۳- سرودهای اُپرایی ۴- سرودهای محلی ۵- سرودهای فانفارها» (آزاده، ۱۳۸۳: ۵۲۰)

مفهوم سرود ملی یا دینی - نه به معنی امروزی - از دیر باز در ایران جایگاه ویژه‌ای داشته‌است، قراین بسیاری وجود دارد که این سرودها با موسیقی همراه بوده و تقارن این دو - شعر و موسیقی - در ایران سابقه‌ای بس دراز دارد. «شعر و موسیقی از لاقبل شش قرن و نیم قبل از میلاد جزء لاینفک زندگی نیاکان آریایی ما بوده‌است.» (فروغ، ۲۵۳۵: ۲۲۳) حتی کهن‌ترین آلت موسیقی بادی که تا کنون در جهان کشف شده، ساز بادی سفالینی است که در حفریات هفت تپه، به دست آمده‌است. (همان) این سرودها؛ بیشتر به صورت نیایش‌ها و ادعیه‌ای بوده، که در دربارها و مراسم دینی و ... خوانده می‌شده‌است. به عنوان مثال سروده ذیل نخستین ذکر بوده‌است که به هر نوباوه زرتشتی می‌آموختند: «او (اهوره مزدا) هم سروری دلخواه است و هم داوری بر طبق اشته است. اوست کننده اعمال اندیشه نیک متعلق به زندگانی. ملکوت مزدا اهوره از برای آنانی است که چنان شبان‌اند از بهر درویشان.» (بویس، ۱۳۸۱: ۶۰) و (ن.ک. همان: ۶۴-۶۰) مهرداد بهار در معنی واژه «

Pandwrg که «مری بویس» آن را در سروده زیر به معنی «عود» دانسته است: ... بسرایید سرود شگفت‌انگیز را، به درود (سلامت) رامش و اعتماد // عود (؟) معنوی روشن را شاد و خوش بسرای // بدمید شیپور شادگر را، گرد آورید جان‌ها را سوی رستگاری، می‌گوید: «سراییدن عود اینجا اندکی شگفت‌آور است. «Pandwrg» که خانم بویس آن را «عود» معنی کرده، می‌تواند گونه‌ای سرود باشد که در مراسم دینی مانویان خوانده می‌شده، همانند آوازخوانی گروهی یا گروه هم‌نوازان.» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۲۰) این سروده‌ها گاهی در روزهای خاصی و گاه در مراسم رسمی‌یی که پیش می‌آمد، خوانده می‌شد؛ مثلاً «در ایام نوروز (چند روز قبل از نوروز) مردم همراه با درباریان به زیارت قبور شاهان در گذشته می‌رفتند ... و با سرودهایی ویژه درگذشتگان، برای مردگان سلطنتی، طلب آسایش می‌کردند.» (همان: ۶۰۴) از آنجا که بیشتر این سروده‌ها در دربار خوانده می‌شد (به خصوص دربار خسرو پرویز) کم‌کم به این سروده‌ها چنان که مشهور است «خسروانی» گفته‌اند که: «مسعودی آن را الطرق الملوکیه نامیده است.» (کریستین سن، ۱۳۷۹: ۶۳۰) «باربد» موسقیدان مشهور دربار خسرو پرویز، هفت خسروانی، سی لحن و ۳۶۰ داستان که با ایام هفته و سی روز ماه، و سیصد و شصت روز سال ساسانیان تناسب داشت، وضع کرده بود. (همان: ۶۳۰) که ظاهراً متناسب با فصول سال و روزها، هر روز در دربار فقط یک لحن، اجرا می‌شده است. کریستین سن نمونه‌هایی از این سروده‌ها را نقل کرده است. (همان: ۶۳۲) اما چنان که مشخص است هیچ کدام از این سرودهای درباری به اندازه سرودهای ملی امروزی شناسنامه قومی و ملی تلقی نمی‌شوند.

۲-۱- سرود ملی ایران

در میان سرودهای ملی کشورهای دنیا، کهن‌ترین سرود، سرود ملی کشور انگلستان است که همزمان با ظهور «یاکوب‌ها ... در قرن هفدهم میلادی ... سروده شده است. در شرق نیز اولین سرود ملی، سرود ملی ایران است که در سال ۱۸۷۳ م. به وسیله «آلفرد ژان باتیست لومر (Alfred Jean Batiste Lemaire) و ساخته شده است و تا سال ۱۹۰۹ م. در مراسم

گوناکون اجرا می‌شده‌است. (آزاده، ۱۳۸۳: ۵۲۰) این سرود یک بار هنگام ورود مظفرالدین شاه قاجار و در حضور وی در پاریس اجرا گردیده‌است. در دوره معاصر به وسیله بیژن ترقی برای آن ترانه‌ای سروده شد و برای اولین بار به وسیله ارکستر ملل به رهبری پیمان سلطانی در تالار وحدت اجرا شد که خواننده آن سالار عقیلی بود. مطلع سرود چنین است:

نام جاوید وطن / صبح امید وطن / جلوه کن در آسمان / ... / وطن ای هستی من ...

دومین سرود ملی رسمی ایران به وسیله شیخ‌الرئیس افسر و عبدالرحمان پارسای تویسرکانی سروده شد. (قسمت اول سرود «سرود شاهنشاهی» و قسمت سوم «سرود ملی» از شیخ‌الرئیس افسر و قسمت دوم «سرود پرچم» از پارسا تویسرکانی است) آهنگ آن از ستوان داود نجمی مقدم است. (ملاح، ۱۳۵۳: ۸۹) این سرود به دستور و سفارش رضاشاه در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی سروده شد و در تاریخ ۱۳۱۳/۶/۱۰ طی بخش نامه‌ای به مدارس و ... ابلاغ شد و از مخاطبان خواسته شد به احترام سرود قیام کنند. (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳: ۴۸۷) سومین سرود ملی ایران در سال ۱۳۲۳ به وسیله حسین گل‌گلاب، استاد دانشگاه تهران هنگام اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، سروده شد. وی انگیزه‌اش را از سرودن این شعر، مشاهده بدرفتاری متفقین با یک ایرانی در یکی از خیابان‌های تهران بیان کرده‌است. مطلع این سرود چنین است:

ای ایران، ای مرز پر گهر / ای خاکت سرچشمه هنر
این سرود اولین بار در ۲۷ مهر همان سال در تالار دبستان نظامی دانشکده افسری به صورت گُر اجرا شد و بعد از آن به وسیله استاد بنان تک‌خوانی شد. روح‌الله خالقی آهنگی برای این سرود ساخت که در آواز محزون دشتی و برگرفته از برخی نغمه‌های موسیقی بختیاری است که از فضایی حماسی برخوردار است. (گروه ادب و هنر، همان: ۵۷) در ۲۹ بهمن سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در چهارمین روز نشست بین‌المللی سرودهای ملی در «وین» پس از گفت‌وگوهای بسیار، این سرود. از نظر درون‌مایه و آهنگ، میهنی‌ترین و مهیج‌ترین سرود ملی جهان اعلام شد. (دهموبد، ۱۳۸۹: ۲۲) یکی از ویژگی‌های این سرود این است که تمام کلمات آن فارسی است. این سرود در اوایل انقلاب اسلامی نیز به عنوان

سرود ملی اجرا می‌شده‌است تا این‌که جای خود را به سرود دیگری داد که به وسیله ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۵۷ سروده شد و موسیقی آن به وسیله محمد بیگلری پور تنظیم گردید. متن سرود آقای ابوالقاسم حالت چنین است:

شد جمهوری اسلامی به پا که هم دین دهد هم دنیا به ما
یاری گر ما دست خداست ما را در این نبرد او رهنماست
از انقلاب ایران دگر کاخ ستم گشته زیر و زبر
تصویر آینده ما، نقش مراد ماست شور سلحشوری ما، نقش مراد ماست
شام سیاه سختی گذشت خورشید بخت ما تابنده گشت
در صحنه قرآن پاینده باد نام ایران

پنجمین سرود ملی ایران که سرود فعلی جمهوری اسلامی ایران است، در سال ۱۳۷۱ به وسیله ساعد باقری سروده شد و آهنگساز آن، حسن ریاحی است:
سر زد از افق مهر خاوران // فروغ دیده حق باوران // بهمن، فر ایمان ماست // پیامت
ای امام // استقلال، آزادی // نقش جان ماست // شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادتان //
پاینده بادی و جاودان // جمهوری اسلامی ایران.

چون هدف ما در این مقاله، مقایسه این سرود جمهوری اسلامی ایران با سرود ملی ایالات متحده امریکاست، ترجمه انگلیسی آن نیز نقل می‌شود:

On the horizon peeped the Eastern sun, The sight of true
believers
Bahman is the brilliance of our Faith O Imam, on our souls is
imprinted, Your message of independence and freedom.
Your Cries, Maytyrs, rings Loud in time`s ears- Enduring,
eternal,
Islamic Republic of Iran.

۲-۲- سرود ملی امریکا

پرچم ستاره‌های درخشان:

الف: آه بگو، می‌بینی در این سپیده صبح // آنچه ما با غرور ارج نهادیم در غروب روز
پیش؟ // راه راه‌های پهن و ستاره‌های درخشان در نبرد پر مخاطره، // بر فراز دژها می-
دیدیم، در پرواز بود دلیرانه // و شعله خون‌رنگ راکت‌ها، انفجار بمب‌ها در آسمان، // می-
گفت پرچم‌مان برافراشته است هنوز در شبانگاهان // آه بگو، آیا هنوز پرچم ستاره‌های
درخشان می‌کشد سر در آسمان // بر بلندای سرزمین آزاد و مهد یلان؟ // **ب:** در کرانه‌های
تاریک و ژرفای مه گرفته // جایی که دشمن مغرور در سکوت ترس آرمیده // چیست آن
که نسیمش بر بلندایی چشم‌گیر // می‌کند گاه پنهان، گاه آشکار؟ // اکنون در آغوش می-
کشد نخستین پرتو سپیده را // و انعکاسش نهرها را می‌کند روشن // سر بر فلک باد، پرچم
ستاره‌های درخشان // بر بلندای سرزمین آزاد و مهد یلان // **ج-** آه باشد که آزاد مردان
جاودانه برخیزند // میان عشقشان به میهن و ویرانه‌های جنگ // زنده باد صلح و ظفر، باشد
که بهشت نجات دهد سرزمین‌مان را // ستایش قدرتی که خلق کرد و حفظ ملت ما را //
پس به خاطر آرمان‌هایمان مغلوب کنیم // و این شعار ماست «به خدا توکل کنیم»
و جاودانه سر بر افلاک خواهد بود پرچم ستاره‌های درخشان // بر بلندای سرزمین آزاد و
مهد یلان.

THE STAR-SPANGLED BANNER

Oh, Say can you see, by the dawn's early light, What so proudly
we hailed at the twilight's last gleaming? Whose broad stripes
and bright stars, through the perilous fight, O'er the ramparts we
watched, were so gallantly streaming? And the rockets' red glare,
the bombs bursting in air Gave proof through the night that our
flag was still there.

O say, does that Star-Spangled Banner yet wave O'er the land of
the free and the home of the brave? On the shore, dimly seen
through the mists of the deep, Were the foe's haughty host in
dread silence reposes,

What is that which the breeze, o'er the towering steep, As it fitfully blows, now conceals, now discloses? Now it catches the gleam of the morning's first beam in full glory reflected now shines on the stream: Tis the Star-Spangled Banner! O long may it wave o'er the land of the free and the home of the brave. Oh! Thus be it ever, when freemen shall stand Between their loved homes and the war's desolation! Blest with victory and peace, may the heaven- rescued land praise the power that hath made and preserved us a nation. Then conquer we must, for our cause it is just, And this be our motto: "In God is our trust". And the Star-Spangled Banner forever shall wave o'er the land of the free and the home of the brave!

این شعر از «فرانسیس اسکات. کی» (Francis Scott Key) است. دانستن پس‌زمینه سرایش این شعر به درک بیشتر آن کمک می‌کند. این شعر در هنگام جنگ امریکا و بریتانیای کبیر سروده شده‌است. در صبح روز سیزدهم سپتامبر ۱۸۱۴ میلادی «فرانسیس اسکات. کی» برای آزادسازی یکی از دوستانش که به وسیله نیروهای انگلیسی دستگیر شده بود، به دیدار سر لشکر نیروهای انگلیسی رفته بود. افسران انگلیسی به او اجازه ندادند که به طرف لشکر امریکایی برگردد؛ زیرا وی از این موضوع که قرار بود در آن شب لشکر انگلیس به ارتش امریکا حمله کند، باخبر شده بود. در آن منطقه، قلعه‌ای به نام مک هنری (Mach henry) وجود داشت که از بالتیمور (Baltimore) دفاع می‌کرد. فرانسیس اسکات. کی؛ آن شب را در نزد سپاهیان انگلیس با ترس و وحشت سپری کرد؛ ترس از آنکه مبادا پرچمی (پرچم امریکا) را که غروب گذشته، بر فراز قلعه بالتیمور در اهتزاز دیده بود، هنگام صبح نبیند. زیرا آن شب، ارتش انگلیس قلعه را به شدت بمباران کرده بود. در گرگ و میش صبح، وقتی حمله پایان یافت، کسی نمی‌توانست در آن تاریکی با اطمینان بگوید، آیا نیروهای انگلیس شکست خورده‌اند، یا قلعه سقوط کرده‌است. با بند آمدن باران «اسکات» با نگرانی فراوان از میان گرگ و میش صبح می‌خواست ببیند که آیا

پرچمی را که در شب گذشته دیده بود، هنوز در اهتزاز است یا خیر؟ به همین دلیل، بیت پایانی بند اول شعر که ترجیع‌واره‌ای در مورد پرچم است با شک و تردید همراه است. هنگامی که مه صبحگاهی ناپدید و هوا تقریباً روشن می‌شود، وی بر روی قلعه مذکور پرچم برافراشته‌ای را مشاهده می‌کند، اما با اطمینان نمی‌تواند بداند که آن پرچم انگلیس است یا امریکا؛ به همین دلیل در بیت پایانی بند دوم شعر (همان ترجیع‌واره) آرزو می‌کند که ای کاش آن پرچم برافراشته، پرچم امریکا باشد. بالاخره هوا کاملاً روشن می‌شود و «اسکات» با فراغت کامل و غرور فراوان می‌بیند که پرچم امریکاست که توانسته است استوار بر فراز قلعه مقاومت کند. لذا همان ترجیع‌واره (بیت پایانی) را با اندک اختلافی در لفظ با اطمینان و یقین می‌آورد و مطمئن است که این پرچم تا ابد برافراشته خواهد ماند. (www.nationalanthem.com)

۲-۳ مقایسه دو سرود

اگرچه می‌توان این دو سرود (سرود ملی امریکا و جمهوری اسلامی ایران) را از جنبه‌های گوناگون مقایسه کرد، اما ما در این مقاله برای اجتناب از اطناب، آنها را از سه جهت قالب شعری (وزن و قافیه)، موسیقی و محتوا به طور مختصر بررسی می‌کنیم.

۲-۳-۱ قالب شعری سرودها (وزن و قافیه)

در این بخش فرم ظاهری سرودها از نظر وزن و قافیه که بیشترین تأثیر را بر مخاطب دارد، بررسی می‌شود. برخلاف سابقه چند هزار ساله شعر موزون و مقفای فارسی، باید اذعان داشت که سرود جمهوری اسلامی ایران، نه وزنی عروضی و نه جایگاه قافیه مشخصی دارد؛ اما سرود ملی امریکا، برعکس شعر معاصر غرب که تأکید زیادی بر وزن و قافیه ندارد، در قالبی آراسته و مجلل سروده شده است. اگر این سرود بررسی شود، علاوه بر وزن ضربی، جایگیری قوافی زیباست. در این شعر همزمان از دو شیوه جایگیری قافیه در شعر (شعر غرب) استفاده شده است.

در بند اول، مصرع اول و سوم، دوم و چهارم همقافیه‌اند که به آن (قافیه یک در میان Croisee = می‌گویند. مصرع‌های پنجم و ششم، و هفتم و هشتم (ترجیع گونه‌ای است با اندکی اختلاف) هم قافیه‌اند. که به آن (قافیه ساده و بی‌فاصله = Plates Rime) می‌گویند. در بند دوم و سوم نیز این قاعده تکرار شده‌است؛ ضمن این که چنان که یادآور شدیم، در هر سه بند یک بیت با اندکی اختلاف در لفظ به عنوان ترجیع (که رؤیای دیرینه آنان است) تکرار می‌شود. بدون در نظر گرفتن محتوای سرود، از نظر ظاهر و فرم شعر، این سرود متأثر از «مکتب پاراناسین» است که به قالب شعر و قافیه اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده‌است؛ زیرا چنان که می‌دانیم از اصول مهم پاراناسیس‌ها «کمال شکل، چه از لحاظ بیان و چه از لحاظ انتخاب کلمات، زیبایی قافیه و ... است.» (سیدحسینی، ۱۳۸۶: ۴۸۲) لازم به ذکر است این سرود با دومین سرود ملی ایران (سرود شاهنشاهی) و سومین سرود (ای ایران ای مرز پر گهر) از نظر تعداد بندها (سه بندی) مساوی است.

۲-۳-۲ موسیقی

چنانکه گفته شد این سرودها از گذشته با موسیقی همراه بوده، یقیناً الفاظ، محتوا و پیام سرود با پرده و گوشه‌ای که در آن خوانده شده، در پیوند است. انتخاب آهنگ و گام موسیقی بر روی این سرودها نیز حائز اهمیت و بیان‌کننده روحیه هر ملتی است. از این زاویه نیز بین سرود ملی ایران و امریکا تفاوت‌هایی وجود دارد که در راستای فرضیه ماست. گام موسیقی سرود ملی امریکا «سی بمل ماژور» می‌باشد. وزن موسیقایی این قطعه ۳/۴ است که معمولاً برای سرود ملی متداول نیست؛ ولی به خوبی، این اثر روی شعر و شعر روی اثر به کار گذاشته شده‌است. با اینکه این شعر سال‌ها قبل سروده شده، ولی آهنگ‌ساز این اثر به خوبی کلیه مضامین شعر را تصویر کرده‌است. با توجه به تاریخچه شعر (که ذکر آن گذشت) می‌توان به‌طور کامل حس نوستالژی و در عین حال غرور‌آمیز ابیات پایان را در اثر حس کرد. در ابتدای نت‌نویسی این قطعه از واژه Maestros استفاده شده‌است. این واژه یکی از مشخصه‌های نشان‌دهنده حالت و سرعت قطعه می‌باشد. مفهوم این واژه، این

است که قطعه سوزناک و غمگین اجرا شود و این خود بهترین دلیل برای حس نوستالژی شاعر در زمان نوشتن شعر است که آهنگساز به خوبی از عهده آن برآمده است؛ اما با این همه، این آهنگ، یادآور خوشگذرانی و حس می‌خوارگی نیز می‌باشد: «سرود ملی آمریکا که برای عصیان علیه انگلیس ابداع شده بود، اساساً همان آهنگی بود که در میخانه‌های لندن محبوبیت داشت.» (اسبورن، ۱۳۷۱: ۱۳۳)

گام موسیقی سرود ملی ایران «سل ماژور» می‌باشد. این موسیقی، تم و ریتمی ملایم دارد و می‌توان گفت که برگرفته از شعر و مفهوم صلح‌جویانه آن است. وزن این موسیقی ۴/۴ است که البته مارش‌های نظامی نیز در این وزن اجرا می‌شود؛ با این تفاوت که سرعت اجرای این قطعه، پایین‌تر از یک مارش نظامی متداول است. شاید بتوان اذعان کرد که هدف از این کار دوری جستن ریتم سرود از جنگ و حالت‌های متداول حماسی است. مدت زمان این موسیقی ۵۹ ثانیه است و به آسانی قابل اجرا در هر زمان و مکان می‌باشد. فرق این قطعه با سروده‌های ملی گذشته در این است که در اکثر سروده‌های ملی ایران و یا کشورهای دیگر (مانند آمریکا) قبلاً شعری سروده شده و بعدها آهنگسازی آن انجام شده است یا برعکس (مانند اولین سرود ملی ایران و ...) اول آهنگ ساخته شده و بعد شعر آن سروده است؛ در حالی که این قطعه شعر و آهنگ همزمان خلق شده و به نوعی سفارشی می‌باشند؛ یعنی شعر برای موسیقی و موسیقی برای شعر ساخته شده است. برای مزید اطلاع نت و دستگاه موسیقی هر دو سرود آورده می‌شود:

رتال جامع علوم انسانی

UNITED STATES OF AMERICA

"ایالات متحده آمریکا"

Maestros *Composer unknow*

f *Poco meno mosso*

cresc. *ff rit.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

IRAN
"ایران"

Andante con moto HASSAN RIAHI (b. 1945)

The musical score consists of six staves of music. The first staff begins with the tempo marking 'Andante con moto' and the composer's name 'HASSAN RIAHI (b. 1945)'. The music is written in a key with one sharp (F#) and a 2/4 time signature. The score includes dynamic markings such as 'mf' (mezzo-forte) and 'ff' (fortissimo), and a 'rit.' (ritardando) marking at the end of the piece.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

UNITED STATES OF AMERICA

"ایالات متحده آمریکا"

Maestros Composer unknow

f Poco meno mosso

cresc. *ff rit.*

۲-۳-۳- محتوا

چنانکه مشخص است مینا و علت سرود ملی کشور ایالات متحده یک واقعه نظامی است، این شعر مدت‌ها فقط سرود نظامی ارتش آمریکا بود که در نهایت سرود ملی کشور نیز شد. واژه‌هایی مانند شعله‌های خون‌رنگ راکت‌ها، انفجار بمب‌ها، ویرانه‌های جنگ، نبرد پرمخاطره، دژها (خاک‌ریزها) دشمن، مغلوب کردن، ظفر و ... دال بر حماسی بودن شعر و میل و توجه شاعر و در نهایت روحیه ملت آمریکا، به جنگ است. اگر واژه‌هایی مانند

«صلح» در شعر مذکور وجود دارد، در کنار «ظفر» آمده است. «زنده باد صلح و ظفر» یعنی زمانی صلح را می‌پذیرد که توأم با ظفر و پیروزی و پس از جنگی مخاطره‌آمیز، حاصل شده باشد. این حس جنگ‌طلبی و ستیزه‌جویی که در سرود ملی آمریکا وجود دارد در تاریخ این کشور به وضوح دیده می‌شود. آمریکا در طی تاریخ نه چندان طولانی خود به کشورهای مختلفی به بهانه‌هایی، حمله نظامی کرده است؛ به عنوان مثال فقط در قرن بیستم به این کشورها حمله کرده است.

در سال ۱۸۹۸ برای تصاحب کوبا، پورتوریکو و ... به اسپانیا حمله کرد. (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۴۷) در سال ۱۹۱۶ به بهانه این که آلمانی‌ها قصد تصرف یکی از بنادر ونزوتلا را داشته، به آنها اعلان جنگ داد. (همان: ۷۰) در سال ۱۹۰۹ از مخالفان حکومت مرکزی نیکاراگوئه اعلان حمایت کرد. (همان: ۹۸) در سال ۱۹۱۵ ایجاد حکومت نظامی در هایتی به وسیله دو هزار تفنگ‌دار، (همان: ۱۰۴) در سال ۱۹۱۲ اعلان حمله به ژاپن، (همان: ۱۰۵) در سال ۱۹۱۴ به بهانه‌ای که از طرف خود آمریکائیان «نمایش مضحک» خوانده شد به مکزیک حمله کرد. (همان: ۱۱۴) در سال ۱۹۱۷ حمله به آلمان در جنگ جهانی اول، (همان: ۱۴۷) در سال ۱۹۴۵ حمله اتمی به هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن، (همان: ۳۵۲) در سال ۱۹۵۰ حمله به کره شمالی، (همان: ۴۰۳) در سال ۱۹۵۵ تهدید چین به استفاده از بمب اتم، (همان: ۴۲۵) در سال ۱۹۵۳، کودتای ۲۸ مرداد در ایران، (همان: ۴۲۸) و در سال ۱۹۵۴ به گواتمالا برای برافکنی حکومت آن کشور حمله کرد. (همان: ۴۳۰) در سال ۱۹۵۷ "آیزنهاور" از مجلس سنا درخواست کرد که در خاورمیانه متوسل به زور شود. (همان: ۴۴۵) در سال ۱۹۵۸ اعزام چهارده هزار نیرو به لبنان به نفع «کامیل شمعون» رئیس جمهور لبنان، (همان: ۴۴۶) در سال ۱۹۶۲ حمله به کوبا، (همان: ۴۶۳) در سال ۱۹۶۳ حمله به ویتنام، (همان: ۴۸۶) در سال ۱۹۶۵ حمله به دومینکن، (همان: ۴۸۹) در سال ۱۹۸۰ برای آزادی گروگان‌هایش در ایران شبان‌گاه به حمله هوایی متوسل شد که در طبس ناکام ماند. (همان: ۵۸۰) در سال ۱۹۸۲ اعزام ۱۹۰۰ نظامی به گرانادا، (همان: ۵۹۶) در سال ۱۹۸۲ اعزام تفنگ‌داران آمریکایی به بیروت به پشتیبانی از اسرائیل، (همان: ۶۰۰) در سال ۱۹۸۶ حمله

هوایی به لیبی به ویژه، خانه قذافی، (همان: ۶۰۴) در سال ۱۹۸۰ لغایت ۱۹۸۸ کمک به عراق در جنگ با ایران، (همان: ۶۰۵) در سال ۱۹۷۰ حمله به کامبوج برای رسیدن به ویتنام شمالی، (همان: ۵۱۵) در سال ۱۹۷۳ حمایت از کودتای شیلی در مقابل حکومت رسمی آن کشور، (همان: ۵۳۵) در سال ۱۹۹۰ جنگ خلیج علیه عراق به حمایت از کویت، (همان: ۱۶۳۱) در سال ۱۹۸۹ مداخله نظامی در پاناما. (همان: ۶۲۷) در اوایل قرن بیست و یک، حمله به عراق و افغانستان و دخالت نظامی در کشورهایی مانند لیبی و مصر و سوریه و بحرین و ... روشن تر از آن است که ذکر شود.

شعار بعضی از دولتمردان امریکا نیز در همین راستا بوده است. منش و روش آیزنهاور که بعدها به عنوان «آیین آیزنهاور» مشهور شد، به معنی متوسل شدن به زور بود. (همان: ۴۴۵) یا شعار اصلی روزولت (میهن پرستی افراطی توأم با تجاوزگری «Jingoism») بود. (همان: ۷۲) حتی در کابینه وزرای بعضی از رییس جمهورهای امریکا، وزیر جنگ وجود داشته است. (همان: ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۴۰) در حالی که در ایران همیشه به جای وزیر جنگ، وزیر دفاع وجود داشته است. آقای «ریچارد نلسون فرای» (**Richard Nelson Frye**) دانشمند ایران شناس امریکایی از رییس جمهور وقت ایران خواسته بود که پس از مرگ، جسدش را در کنار سی و سه پل اصفهان دفن کنند، دلیل این تصمیم را در مصاحبه با رادیوی جمهوری اسلامی ایران چنین بیان کرد: «چون ایرانیان به مجسمه های فردوسی و حافظ و سعدی (نمادهای فرهنگی) بیشتر از مجسمه نادرشاه افشار (سمبل جنگ و پیروزی در میدان مبارزه) اهمیت می دهند. پس می توان گفت که بیشتر به فکر فرهنگ اند تا جنگ.» (رادیو ایران، روز شنبه مورخ ۲۴ / ۶ / ۱۳۸۶) این سخن، بیان کننده بینش دو ملت نسبت به اهمیت دادن به مسئله جنگ و صلح است. از دید دانشمند محترم امریکایی، جای تعجب است که در ایران به جای اهمیت دادن به پادشاهان جهانگشا به چهره های فرهنگی مانند حافظ و سعدی و فردوسی اهمیت داده می شود؛ در حالی که این موضوع برای هر ایرانی، یک موضوع عادی تلقی می شود؛ به طوری که ذهن کسی را به خود جلب نمی کند.

از اسامی خیابان‌ها و میدان‌های شهرهای بزرگ و کوچک ایران، جلوه‌های چنین تفکری کاملاً هویدا است.

در سرود جمهوری اسلامی ایران از تمام کلمات شعر بوی صلح و دوستی و در نهایت دفاع مقدس و مشروع می‌آید. جالب این است که دومین سرود ملی ایران نیز برای دفاع از حیثیت و غرور و غیرت بر باد رفته ایرانیان به وسیله متفقین، سروده شده است؛ به هر حال در سرود جمهوری اسلامی ایران، مفهوم بسیاری از کلمات دال بر صلح، آرامش و در نهایت دفاع مقدس است؛ کلماتی از قبیل **مهر**، فروغ، حق باوران، **بهمن**، **فر**، ایمان، استقلال، آزادی، شهیدان و ... کلمات کلیدی و استواری‌اند که متضمن عزت، حکمت و مصلحت ملی هستند. ما به عنوان نمونه درباره «مهر» که از واژه‌های کلیدی این سرود و دیگر سرودهای ملی ایران است و به طور تصادفی (البته ملکه ناخودآگاه جمعی ایرانیان است) در تمام سرودهای ملی ایران آمده است. (فقط در یک سرود به جای مهر از مترادف آن «خورشید» استفاده شده است) حتی در سرودی که مربوط به زمان ساسانیان بود نیز واژه مهر (خورشید) آمده بود، در اینجا درباره مهر، اندکی با اطناب بحث خواهیم کرد؛ سپس دگردیسی معنایی همین واژه را در فرهنگ و ادبیات غرب تشریح خواهیم کرد:

۲-۳-۳-۱- مهر

مهر در پهلوی *Mihr*، دراوستایی *mQira*، چهاردهمین خلقت معنوی ایزد (بهار، ۱۳۶۲: ۴۵) از ایزدان کهن هندو و ایرانی است. (همان: ۴۸) «میترا در اصل به معنی پیمان است.» (زرنر، ۱۳۸۴: ۹۴) در سنسکریت به معنی دوست و در فارسی میانه، مهر (مشتق از میترا) به مفهوم عشق و دوستی است. (همان: ۱۴۴) در اکثر متونی که ذکری از مهر به میان آمده، القاب و صفاتی مانند نگهبانی، عهد و پیمان، برکت بخشی و ... به او نسبت داده شده است. مهر، فرشته فروغ و موکل بر عهد و پیمان (بدره‌ای، ۱۳۸۴: ۲۰۱) مظهر روشنایی و میانجی (بهار، ۱۳۸۱: ۳۱) حامی پیمان (همان: ۳۱) و (بهار، ۱۳۶۲: ۴۸) سمبل فرمان‌برداری، عدالت، لطف الهی (بویس، همان: ۴۷) است. برکت بخشی نیز از وظایف اوست. (همان:

۴۸) در هند نیز به عنوان خدای پیمان و روشنی، ستایش می‌شده است. (باقری، ۱۳۷۶: ۱۵۰) در اوستا ایزد راستی و دلیری و فروغ و روشنایی و عهد و پیمان است. (همان: ۱۵۲) یکی از مهم‌ترین وظایف مهر، نگهداری و نظاره او بر سرزمین آریایان است؛ زیرا او خدای موکل بر ملت ایران است. (زهر، همان: ۱۵۳-۱۵۴) جایگاه مهر ابتدا بر روی زمین بوده (بویس، همان: ۱۵۲) اما سرور دانا و امشاسپندان برایش جایگاه و خانه‌ای در بالای کوه هرا (هرئیتی) بر ساختند. (همان: ۱۶۶) بعدها نیز به عنوان ایزدی اهورایی در آسمان‌ها جای ساخت.

خورشید؛ خود ایزدی جداگانه است. (بهار، ۱۳۶۲: ۴۸) و پاک نگه داشتن زمین و آنچه در اوست و نگهداری انواع آب‌ها بر عهده اوست و اگر او نباشد دیوان زمین را می‌آلایند. (همان: ۴۸) دیوان، تنها هنگامی دست‌به‌کار می‌شوند که او غروب کرده باشد. (یشت ۴. بند ۸)» (همان: ۴۸) اگر خور بر نیاید، پس دیوها سراسر آنچه را که در روی هفت کشور است، نابود کنند و هنگامی که خورشید طلوع می‌کند پاکیزگی آب و خشکی و همه چیز را فرا می‌گیرد. (پورداوود، ۱۳۴۸: ۱۱۲؛ بهار، ۱۳۶۲: ۱۱۳)

چنانکه مشخص است خورشید هر چند با ایزد مهر شباهت‌هایی دارد، با او یکی نبوده، اما وجود شباهت‌های فراوان بین خورشید و مهر، باعث شده است که در متون متأخر این دو یکی پنداشته شوند. شباهت‌هایی مانند نگهداری راستی و علیه دروغ و ناراستی و آشفتگی و ... قیام کردن، خدای روشنایی و منبع نور بودن و ... باعث شده است که خورشید و مهر یکی پنداشته شوند. مهم‌ترین و نخستین عامل این آمیختگی، منابع غیر هندو و ایرانی است. «کریستین سن» در این باره می‌گوید: «آیین مهر پرستی در امپراطور روم توسعه بسیار یافت و در این آیین، مهر را خدای آفتاب می‌دانستند.» (کریستین سن، همان: ۶۵) در دوران اسلامی در اکثر متون ادبی و غیر ادبی، خورشید و مهر یکی دانسته شده و تقریباً هر کدام وظیفه دیگری را نیز بر دوش کشیده است. ابوریحان صریحاً هر دو را یکی می‌داند: «گویند مهر که اسم خورشید است در چنین روزی (روز مهر شانزدهم هر ماه) ظاهر شد... (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۸) به دلیل همین آمیختگی و یکی دانستن خورشید و مهر است که مهر به معنی

دوستی و محبت و خورشید است. اگر چه در سرود ملی ایران، مهر به معنی خورشید است، اما با توجه به آنچه گذشت و با توجه به دگردیسی معنایی «مهر»، ایهام ضعیفی به ایزد مهر نیز دارد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین دلایل جایگزینی مهر به جای خورشید، چنانکه در مهر یشت آمده، نسبت دادن گردونه‌ای زرین به ایزد مهر است که هر روز چهار اسب زرین سم و ... آن را در پهنة آسمان می‌کشند. (بویس، ۱۳۸۱: ۳۳) با وجود این تفکر، «خورشید» را همان گردونه و محمل ایزد مهر دانستند که به مرور زمان، خورشید را همان «مهر» پنداشتند. در این سرود، خواه مهر به معنی ایزد مهر باشد، خواه به معنی خورشید، زداينده پليدي و یاری‌رسان نیکی‌هاست. نکته جالب توجه، اینکه اگر چه مهر ایزدی آریایی است، اما بعدها در امپراطور روم توسعه بسیار یافته و در آنجا قرن‌ها مورد پرستش بوده و صفاتی به او نسبت داده شده که در اصل هند و ایرانی او وجود نداشته‌است. خصوصیات هم‌چون جنگ‌آوری و ... (۱)

کلمات همگون دیگری که در سرود ملی امریکا وجود دارد، عبارتند از: غروب، شبانگاهان، کرانه‌های تاریک، ژرفای مه گرفته، و ... که همگی نماد تاریکی و ظلمتند. اگر چه کلماتی نیز مانند: پرتو سپیده، درخشان (البته به عنوان صفتی برای ستاره که شبانگاه هویدا می‌شود) نهر و روشن وجود دارد، اما در مقابل کلماتی که نماد تاریکی‌اند، بسیار کم‌ترند؛ در حالی که در سرود جمهوری اسلامی ایران کلمات نورانی و روشنی‌مانند، فر، مهر، خاور (مکانی که خورشید از آنجا طلوع می‌کند) فروغ و ... وجود دارد که همگی نماد نور و هدایتند. این نکته نیز در تاریخ و اسطوره ایران و انیران سابقه دارد. «روز نماد روشنایی و شب نماد تاریکی است. ایرانیان در روز رای می‌زنند. (کزآزی، همان: ۱۷۲) تورانیان در شب. (همان: ۱۷۴) ایرانیان، برعکس تورانیان، حتی شیخون که به نوعی خلاف مردانگی است، در دستور کار ندارند. (همان: ۱۷۵ و ۱۷۶) جالب این است که علت سرودن سرود ملی امریکا چنان که قبلاً گفتیم، یک شیخون و جنگ شبانه بوده‌است.

۲-۳-۳-۲- شهید (کسی که در راه خدا کشته شود) کلمه دیگری است که دال بر روحیه دفاع‌گرایانه توأم با تقدس ملت ایران است؛ زیرا دفاع در مقابل متجاوز و جنگیدن در مقابل او، رنگ‌خدایی به خود گرفته و برای افزون‌طلبی و رسیدن به آمال شخصی و ... نیست. در حقیقت، شهید کسی است که برای دفاع از ارزش‌ها، داوطلبانه جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد. در تمام نبردهای دوران اساطیری و حماسی ایران و حتی تاریخی، انگیزه و علت جنگ ایرانیان، والا و مقدس بوده و بیشتر برای دفاع از ارزش‌ها و تمامیت ارضی کشور بوده‌است؛ در حالی که در نقطه مقابل ایران (توران و روم، در دوران اساطیری و غرب در دوران معاصر) همیشه انگیزه جنگ والا و مقدس نیست. به عنوان نمونه، شعر زیر از «ازراپوند» (Ezra Pound) شاعر و منتقد امریکایی که از زبان سربازان امریکایی در جنگ جهانی دوم سروده شده، نقل می‌شود: «در آنجا هزاران نفر جان باختند.// و بهترین‌ها در میان آنان بودند،// به خاطر یک روسپی پیر، با چنگ و دندان جنگیده بودند،// آن هم به خاطر یک تمدن گند.» (شولزینگر، همان: ۱۸۳) که اشاره به روسپی‌گری‌یی دارد که در اردوگاه یک و نیم میلیون نفری ارتش امریکا، به فرماندهی «جان جی بلک جک» (jean jeblackjack) وجود داشت. این فرمانده معتقد بود که افراد تحت امر او باید برای رفع نیازهای جنسی خود به سراغ زنان روسپی بروند. (همان: ۱۷۷)

معمولاً عامل جنگ‌ها در ایران؛ والا و مقدس بوده و هست. به عنوان نمونه در شاهنامه که سند ملی و شناسنامه جمعی ایرانیان است، همیشه انگیزه نبردها مقدس و والاست. (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۱۸) «پیشدادیان و حتی کیانیان در این حماسه ایرانی، معرف ایده آل طبقه‌ای است که اگر جنگ می‌کند، هدف او تأمین صلح است و اگر به خشونت می‌گراید غایت او ایجاد عدالت است نه تجاوز و ...» (همان‌جا) در حالی که انگیزه جنگ در حماسه‌های «ایلیاد و ادیسه»- که نمونه بارز تفکر فعلی غرب است- چنین نیست. «مدار جنگ در ایلیاد عشق زن است. (همان: ۱۲۷) کزآزی نیز یکی از دلایل جنگ در غرب را جدال برای تصاحب زن می‌داند. (کزآزی، ۱۳۷۰: ۸۸)

در مورد پرچم پرستاره آمریکا که به نحو افتخار آمیزی در سرود ملی آنها از آن یاد شده نه فقط در مقابل نشان «لا اله الا الله» که باوری مذهبی و دینی است، قابل مقایسه نیست (البته قیاس مع الفارق نیز هست) بلکه در مقابل شکل قبلی پرچم ایران که عکس شیر و خورشید بر آن حک شده بود (این مقایسه از جهاتی به طور تصادفی معقول است) نیز بی-فروغ است؛ زیرا واضح است که خورشید از ستاره، هر چند هم درخشان باشد، درخشان تر است؛ به ویژه خورشیدی که در شیر (برج اسد) واقع شده باشد؛ زیرا طبق باورهای نجومی، برج اسد، خانه اصلی و قوت خورشید است. (مصطفی، ۱۳۶۶: ۲۴۸) ضمن اینکه خورشید با روز که نماد روشنایی و ستاره با شب که نماد تاریکی است، در ارتباط است.

۳- نتیجه گیری

سرود ملی آمریکا هم از نظر مضمون و هم از نظر آهنگ سرودی نظامی، رزمی و حماسی است؛ کلماتی مانند راکت، موشک، جنگ و ... که در این سرود به کار رفته، بیان کننده حس جنگ طلبانه آنان است؛ حتی دلیل پیدایش این سرود، واقعه‌ای نظامی است؛ در حالی که سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، سرودی ملی - مذهبی و انباشته از کلماتی است که بیان کننده صلح و دوستی و در نهایت دفاع از حیثیت ملی و دینی است.

در سرود ملی آمریکا واژه‌هایی که نماد تاریکی اند، همگام با واژه‌هایی که بیان کننده روشنی و هدایتند، به کار رفته است؛ اما در سرود ایران فقط واژه‌هایی به کار رفته که نماد روشنی و هدایتند. از نظر قالب شعری، سرود ملی آمریکا از سرود ملی جمهوری اسلامی ایران قوی تر و ادبی تر است. آهنگ و موسیقی سرود ملی آمریکا که از سرود و روحیه نظامی گری آمریکا متأثر است، رزمی و حماسی است؛ اما آهنگ سرود ایران، ملایم و هموار است.

یادداشت

۱- در سرود جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق سنت دیرین ایرانیان، بیشتر بر صفات معنوی و مذهبی مهر اشاره شده است؛ چنانکه در متن مقاله آورد شده، مهر در اکثر منابع دارای خصوصیات مثبتی است و به صفات خشونت‌بار و خونریز او که منشاء غربی دارد، اشاره نشده است؛ چنانکه پیداست حتی مهر با آن همه مهربانی، وقتی قدم در باورهای مذهبی و دینی غرب می‌گذارد، صفات خشنی پیدا می‌کند. «زهر» معتقد است می‌توان رومی به‌طور عجیبی با آن مهری که در اوستا می‌شناسیم تفاوت دارد. «زهر، همان: ۱۴۰) بیشترین تفاوت مهر هندو ایرانی با مهر غربی در جنبه‌های جنگ‌ستیزی اوست که متأثر از خصوصیات فرهنگی و ... غرب است. (زهر، همان: ۱۴۵) مهرداد بهار نیز به نوعی جنگ‌جوئی مهر را به فرهنگ غرب منتسب می‌کند. (بهار، ۱۳۸۲: ۷۱)

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

- آزاده، پویان. (۱۳۸۳). **سرودهای ملی کشورهای جهان**. مترجمان علی شهیدی و ... تهران: آبرخ.
- اسبورن، الکس. اس. (۱۳۷۱). **پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت**. ترجمه حسن قاسم زاده. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- باقری، فریدون. (۱۳۸۴). **کوروش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق**. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- بویس، مری. (۱۳۸۱). **زردشتیان**. ترجمه عسگر بهرامی. چاپ اول. تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۲). **ادیان آسیایی**. چاپ چهارم. تهران: چشمه.
- (۱۳۸۱). **از اسطوره تا تاریخ**. گردآورنده ابو القاسم اسماعیل پور. چاپ سوم. تهران: چشمه.
- (۱۳۶۲). **پژوهشی در اساطیر ایران**. پاره نخست. تهران: انتشارات توس.

- پور داود، ابراهیم. (۱۳۸۴). **خرده اوستا**. تفسیر و تالیف. تهران: دنیای کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). **نامه نامور**. تهران: سخن.
- زهر، آر. سی. (۱۳۸۴). **طلوع و غروب زرتشتی‌گری**. ترجمه تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۷). **مکتب‌های ادبی**. چاپ یازدهم. تهران: نگاه.
- شولزینگر، رابرت. د. (۱۳۷۹). **دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم**. ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی. تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فروغ، مهدی. (۲۵۳۵). **همایش تاریخ و فرهنگ ایران**. (سخنرانی‌های پنجمین اجلاسیه). تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۹). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه غلامرضا رشید یاسمی. تهران: چاپ دهم. قصه پرداز.
- کزآزی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۰). **مازهای راز**. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- (۱۳۷۶). **رویا، حماسه، اسطوره**. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- مصطفی، ابوالفضل. (۱۳۶۶). **فرهنگ اصطلاحات نجومی**. چاپ دوم. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ب: مقاله‌ها

- تعلیم و تربیت. (۱۳۱۳). «سلام شاهنشاهی و سرود رسمی ملی ایران». تعلیم و تربیت. دوره اول، مهر و آبان، شماره ۵۵ و ۵۶. صص ۴۸۷-۴۸۸.
- دهموبد، میترا. (۱۳۸۹). «روزی که «ای ایران» میهنی‌ترین سرود ملی جهان شد». گزارش. اردیبهشت و خرداد، شماره ۲۱۷، ص ۲۲.
- گروه ادب و هنر. (۱۳۸۷). «روح الله خالقی، خالق سرود «ای ایران»». گزارش. آبان، شماره ۲۰۲، ص ۵۷.